

به نام خدا

بعد از تو...

نوشته:

فاطمه جمشیدی



جمشیدی، فاطمه، ۱۳۶۲ -

بعد از / نویسنده فاطمه جمشیدی - تهران: شقایق، ۱۳۸۴.

۳۶۰ ص.

ISBN 964-7928-35-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

ب ۶۸۴ ج ۸۳/۶۲

ب ۷ ۵۶۷ / م ۸۰۱۱ PIR

۱۳۸۴

۱۳۸۴

م ۸۴-۹۵۲۵

کتابخانه ملی



بعد از تو

فاطمه جمشیدی

تیراژ: ۳۳۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۸۴

چاپخانه: پیک ایران

حروف چینی: طاهری

شابک: ۱ - ۳۵ - ۷۹۲۸ - ۹۶۴ - 1 - 35 - 7928 - 964 ISBN

انتشارات شقایق - تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، پلاک ۱۰۳

تلفن: ۶۶۴۰۳۲۹۹ - ۶۶۴۹۶۸۲۸ فاکس: ۶۶۴۹۶۶۹۲

تقدیم به تمام کسانی که مرا باور کردند به خصوص به:

پدر مهربان و مادر صبورم

مقدمه

وقتی برای اولین بار، نگاه بی‌قراریت در نی‌نی چشمان نگاهی مشتاق
گره می‌خورد، همه چیز را از دست خواهی داد و آن، زمانی است که به
حقیقت عشق پی می‌بری و تو نمی‌دانی محبت کردن با مورد محبت قرار
گرفتن، چقدر فاصله دارد. تو عشق دست‌نیافتنی‌ات را با تمام چیزهایی
که برایت مقدسند ارزانی نگاهی، تنها نگاهی ناپایدار می‌کنی و در آن
لحظه، با هر تپش قلبت صدمه‌بار خواهی خورد و تو هیچ کس را نخواهی
داشت که برای معصومیت عشق فناشده‌ات ذره‌ای اشک، هرچند تلخ از
دیده بریزد.

با هر نگاه لرزنده‌ی او عشق را برای خود هجی می‌کنی غافل از این که
قلب او به تاراج عشق دیگری رفته است و برایت دشوار است باور
حقیقت خزان عشق. وقتی برای نخستین بار به زندگی، به عشق خندیدی
نگاه پرحسرت چند قدم آن سوتر خنده‌ی تلخ و وحشیانه‌ی مرگ را
ندید. تنها چیزی که از عشقی یکطرفه نصیبت می‌شود، مخزن اشک‌های
بی‌امانت است که نشأت گرفته از قلبی درخون آکنده است. آن قدر اشک
ریختی که وجودت در امواج سیل دیده‌گانت گم می‌شوند و نمی‌بیند آن
نگاه ناپایدار ویرانه‌ی حضورت را.

خنده در گذرگاهِ گلویت راه به جایی نخواهد برد و تو تنها و شیدا
می‌گیری به سرنوشتِ مبهمِ عشقِ خویش! تنهاترینِ شیدا آن زمان است که
از خویش می‌پرسی بعد از تو، عشقت با که هم‌آغوش می‌گردد. آن زمان
است که از خود می‌پرسی چه کسی روی خوشبختی را نظاره کرده که تو
چون او نیستی؟ وقتی دیده‌گان بی‌قرار و اشکبارت را به سیمای دلنشین او
می‌دوزی با سکوتی سنگین‌تر از فریاد، می‌خواهی بانگِ برآوری «به او
بگویند دوستش دارم». تو زاده‌ی دردی و فریادت آهنگِ رنجِ فرداها را
در خود نهان دارد و نمی‌دانی عشقهای کاغذی ماندگار نخواهند بود.